



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

Lesson Four:

“Traveling the World”

سفر در دنیا

Say: Travel through the Earth and see how Allah did originate creation.

“ Al-Ankabut 20”

بگو: در زمین به سیر و سیاحت بپردازید و در خلقت موجودات و اشیاء تفکر کنید و بنگرید که خداوند چگونه خلقت را آغاز نموده است.
"سوره عنکبوت ، آیه ۲۰"

لغات مهم درس چهارم پایه دهم (Key Words of Vision One (Lesson Four)

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
across	در امتداد - از وسط	cultural	فرهنگی
add	اضافه کردن	culture	فرهنگ
adverb	قید، عبارت قیدی	desert	بیابان - ترک کردن
air	هوا	destination	مقصد - سرنوشت، تقدیر
air ticket	بلیط هوایی	distance	فاصله - مسافت
ancient	باستانی، قدیمی	distant	دور، دور دست
arrive	وارد شدن - رسیدن	domestic	داخلی - اهلی، خانگی
a set of	یک مجموعه از	dress	لباس زنانه - به تن کردن
attract	جذب کردن، جلب کردن	education	آموزش - تحصیل
attraction	جاذبه	educated	با سواد، تحصیل کرده
attractive	جذاب	Egypt	کشور مصر
author	نویسنده	Egyptian	مصری - اهل کشور مصر
baggage	وسایل سفر - چمدان	embassy	سفارت، سفارتخانه
behavior	رفتار	emphasis	تأکید
be located	واقع شده	emphases	تأکید کردن
billion	میلیارد	entertainment	سرگرمی
boat	قایق	especially	مخصوصاً، به ویژه
booklet	دفترچه، کتابچه، جزوه	exactly	دقیقاً
bravely	شجاعانه - دلیرانه	experienced	با تجربه
bravery	شجاعت، دلیری	fall	پائیز - افتادن، سقوط کردن
burning	در حال سوختن	familiar	آشنا
camel	شتر	feed	غذا دادن به
carelessly	با بی دقتی	feel	احساس کردن
ceremony	جشن	find (found)	پیدا کردن - یافتن
Chile	کشور شیلی	finish	پایان دادن
choice	انتخاب	flight	پرواز
choose	انتخاب کردن	foreign (adj)	خارجی، بیگانه - نامناسب، ناجور
come back	برگشتن	foreigner (n)	بیگانه، اجنبی، غریبه، خارجی
comfortable	راحت، آسوده	forget	فراموش کردن
considering	با توجه به - با در نظر گرفتن	forgetful	فراموشی
continent	قاره	four - season	چهار فصل
contrast	مقایسه کردن - سنجیدن	garden	باغ، باغچه
contrastive	متضاد گونه - دارای تضاد، مقایسه ای	generous	سخاوتمند، بخشنده
cruel	ظالم، ستمگر	guess	حس زدن
cruelly	ظالمانه، بی رحمانه	guest	مهمان - مهمان کردن، مسکن گزیدن
cruelty	بی رحمی، ظلم، ستم، بیداد	historical	تاریخی

لغات مهم درس چهارم پایه دهم *Key Words of Vision One (Lesson Four)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
hit	زدن - ضربه زدن	north	شمال
holiday	تعطیلی	obligation	اجبار
holy	مقدس، پاک	offline	خارج از خط (اینترنت)
home - made	خانگی	organization	سازمان
honest	صادق، درستکار	own	مال خود - صاحب بودن، داشتن
honestly	صادقانه	page	صفحه، برگ
hospitable	مهمان نواز	paradise	بهشت
host	میزبان، صاحب خانه - مجری	passport	پاسپورت، گذر نامه، اجاه مسافرت
illness	بیماری، ناخوشی	patiently	صبورانه - با شکیبایی
image	تصور، تصویر، عکس	phrase	عبارت
in fact	در حقیقت	pilgrim	زائر، مسافر (مذهبی)
in front of	روبروی، در جلوی	point	نکته - نقطه - امتیاز، نمره
inside	داخل	poor	فقیر - بیچاره
international	بین المللی	popular	محبوب، پر طرفدار
journey	سفر، مسافرت، سیاحت	popularity	محبوبیت
junk food	غذای بی ارزش، هله هوله	possibility	امکان - احتمال
Korean	کره ای، اهل کشور کره	possibly	شاید، احتمالاً
language	زبان (فارسی، انگلیسی و...)	prefer	ترجیح دادن
learn about	مطلع شدن درباره، یادگرفتن درباره	prepare	آماده کردن
lift	بلند کردن، بالا بردن - آسانسور	preposition	حرف اضافه
local	محلی، بومی	price	قیمت، بها، نرخ
loud	بلند (برای صدا)	prize	جایزه، پاداش
main	عمده، اصلی، اساسی	probable	ممکن، احتمالی
mainly	عمدتاً، اساساً	probably	احتمالاً، شاید
manner	حالت، شیوه، روش	pyramid	هرم
may	ممکن بودن، احتمال داشتن	range	حدود، محدوده، دسته، طیف
meal	وعده غذایی	ready	آماده، مهیا، حاضر
means	وسیله، ابزار	relating to	مربوط به، در ارتباط با
member	عضو	relation	رابطه، ارتباط
might	احتمال، ممکن بودن	respect	احترام، احترام گذاشتن
ministry	وزارت	respected	محترم، آبرومند
mostly	عمدتاً، اساساً	rest	استراحت کردن - بقیه (با حرف تعریف the)
most often	غالباً - اکثراً	risk	خطر، ریسک، خطر کردن
neatly	به طور مرتب - آراسته	road	جاده - خیابان
next to	کنار، نزدیک	role	نقش، وظیفه - بخش - طومار
nobody = no one	هیچ کسی	rule	قاعده، قانون

لغات مهم درس چهارم پایه دهم (Key Words of Vision One (Lesson Four)

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
safe	ایمن، بی خطر	take time	زمان بردن، طول کشیدن
save	نجات دادن، ذخیره کردن	tour	سفر تفریحی، گردش، اردو
search	جستجو کردن	tourist	گردشگر، توریست
seem	به نظر رسیدن	tourism	گردشگری، توریسم
sell (sold)	فروختن	town	شهر، شهرک
shrine	آرامگاه - مرقد	travel	سفر، مسافرت
should	باید، بهتره	travel agency	آژانس مسافرتی
similar	مشابه، مانند	travel agent	صاحب آژانس مسافرتی
sick	بیمار، مریض	traveler	مسافر
smoke	دود - سیگار کشیدن	tradition	سنت، آئین، رسم
solve	حل کردن	traditional	سنتی، قدیمی
south	جنوب	transportation	حمل و نقل
souvenir	سوغاتی، یادگاری	understand	فهمیدن، درک کردن
speed	سرعت - سبقت گرفتن	vacation	تعطیلی
spend (spent)	خرج کردن - سپری کردن	vegetables	سبزیجات
stand	ایستادن	wake up	از خواب بیدار شدن
station	ایستگاه	wall	دیوار
stick	چسپیدن، چسپاندن	war	جنگ، درگیری، نزاع
suggest	پیشنهاد دادن	well	خوب، به خوبی - چاه، چاله، چشمه
suggestion	پیشنهاد	waste	هدر دادن، تلف کردن - آشغال، زباله
suitable	مناسب، شایسته	wide	گسترده، وسیع، عریض
suitably	به طور مناسب	wind	باد
sunset	غروب آفتاب	windy	طوفانی، بادی
sunrise	طلوع آفتاب	winter	زمستان

Note:

Conversation (Student Book Page 102)

'Diego' is a Spanish tourist who is planning for his summer vacation. He is talking to "Carlos Sabato", a travel agent in Madrid.

"دیگو" یک گردشگر اسپانیایی ست که داره برای تعطیلات تابستانی برنامه ریزی میکنه و در حال صحبت کردن با "کارلوس ساباتو" میباشد که صاحب یک آژانس مسافرتی در شهر "مادرید" است.

Diego: Excuse me, sir! I am planning for my summer vacation.

دیگو: ببخشید آقا من در حال برنامه ریزی کردن برای تعطیلات تابستانم هستم.

Carlos: How can I help you?

کارلوس: چطور میتوانم کمکت کنم؟

Diego: Actually, I want to visit Asia, but I am not sure about my destination. Do you have any suggestion?

دیگو: در واقع من میخواهم از قاره آسیا بازدید کنم ، اما درباره مقصد مطمئن نیستم آیا هیچ پیشنهادی دارید؟

Carlos: Well, you may have some choices. You can visit China. It's famous for the Great Wall.

کارلوس: بله تو احتمالا چند انتخاب داشته باشی، میتوانی از کشور "چین" بازدید کنی که به "دیوار بزرگش" معروف است.

Diego: Yes, but I was in Beijing two years ago.

دیگو: بله اما من دو سال پیش در شهر "پکن" بودم.

Carlos: What about India? In fact, the Taj Mahal is a popular destination, but it is hot in summer. Probably Iran is the best choice.

کارلوس: هند چطور؟ در واقع تاج محل یک مقصد پر طرفداره اما در تابستان گرم است. شاید ایران بهترین انتخاب باشد.

Diego: I heard Iran is a great and beautiful country, but I don't know much about it.

دیگو: من شنیده ام ایران یک کشور بزرگ و زیبا است. اما من زیاد در موردش نمی دانم.

Carlos: Well, Iran is a four-season country. It has many historical sites and amazing nature. Also, its people are very kind and hospitable.

کارلوس: خوب. ایران یک کشور چهار فصل است که مکان های تاریخی و طبیعت جذاب و شگفت انگیز داشته و همچنین مردمش بسیار مهربان و مهمان نواز اند.

Diego: It seems a suitable choice. But how can I get more information about Iran?

دیگو: به نظر می آید انتخاب مناسبی باشد. اما من چطور می توانم در مورد ایران اطلاعات بیشتری کسب کنم؟

Carlos: You can check this booklet or may see our website.

کارلوس: تو می توانی این کتابچه راهنما را بررسی کنی یا وبسایت ما دیدن نمایی.

Iran: A True Paradise

ایران، یک بهشت واقعی

Every year, about one billion tourists travel around the world. Tourism is traveling for entertainment, health, sport or learning about the culture of a nation. Tourism can be domestic or international. Domestic tourists travel to different parts of their own country. International tourists travel abroad.

هر ساله حدود یک میلیارد توریست به دور دنیا مسافرت میکند. توریست ها برای سرگرمی، سلامتی و ورزش یا برای یادگیری فرهنگ یک ملت، مسافرت میکنند. گردشگری میتواند داخلی یا بین المللی باشد. توریست های بومی به مکان های مختلف کشورشان مسافرت می کنند. توریست های بین المللی به خارج از کشور مسافرت می کنند.

Some countries attract a lot of tourists every year. Egypt is one of the oldest countries of Africa. It is famous for its wonderful pyramids.

تعدادی از کشور ها همه ساله توریست های زیادی را جذب می کنند. مصر یکی از قدیمی ترین کشور های آفریقا است که به خاطر هرم های شگفت انگیزش معروف است.

France, Italy and Spain are three beautiful European countries. They attract many tourists from other parts of the world. Brazil, Peru and Chile are in South America. They are famous for their ancient history and amazing nature.

فرانسه ایتالیا و اسپانیا سه کشور زیبای اروپایی هستند. آنها گردشگر های زیادی را از جاهای مختلف دنیا جذب میکنند. برزیل، پرو و شیلی در آمریکای جنوبی هستند. آنها برای تاریخ باستانی و طبیعت جذاب و شگفت انگیزشان معروف هستند.

In Asia, Iran is a great destination for tourists. This beautiful country is a true paradise for people of the world. Each year, many people from all parts of the world visit Iran's attractions. Iran is a four- season country and tourists can find a range of activities from skiing to desert touring in different parts of the country. Many Muslims also travel to Iran and go to holy shrines in Mashhad, Qom and Shiraz. Iranian people are hospitable and kind to travelers and tourists.

در آسیا ایران یک مقصد خوب و عالی برای توریست ها هست. این کشور زیبا برای مردم جهان درست مثل بهشت واقعی است. هر ساله بسیاری از مردم نقاط مختلف دنیا از جاذبه های ایران دیدن میکنند. ایران یک کشور چهار فصل است و توریست ها می توانند طیفی از فعالیت ها از اسکی تا صحرا نوردی را در بخش های مختلف کشور پیدا کنند. بسیاری از مسلمانان به ایران مسافرت می کنند و به حرم های مقدس در مشهد، قم و شیراز می روند. مردم ایران با مسافران و توریست ها مهربان و مهمان نواز هستند.

گرامر درس چهارم: افعال ناقص یا وجهی "Modals"

معنی	شکل سوم	شکل دوم	شکل اول
توانستن	-	could	can
ممکن بودن	-	might	may
باید، بهتره	-	-	should
باید	-	-	must
خواستن	-	would	will

این دسته از افعال تمامی ویژگیهای سایر افعال دیگر را دارا نمیباشند و خود دارای ویژگیهای منحصر به فرد زیر میباشند:

(۱) این افعال هرگز علامت مصدری to ، ing استمرار، ed برای زمان گذشته و S سوم شخص مفرد نمیگیرند و همیشه در جمله بصورت شکل ساده (مصدر بدون to) بکار برده میشوند.

(۲) بعد از افعال ناقص، فعل همواره به صورت شکل ساده (مصدر بدون to) می آید.

(۳) افعال ناقص همانند افعال کمکی در جمله بکار میروند یعنی ما بین فاعل و فعل اصلی جمله میآیند.

(۴) هر گاه جمله ای داشته باشیم که در آن یک فعل ناقص بکار رفته باشد، برای سؤالی کردن آن جمله فعل ناقص را به قبل از فاعل انتقال میدهیم و برای منفی کردن بعد از آن فعل ناقص قید منفی ساز not و یا مخفف آن یعنی n't را اضافه میکنیم.

(۵) این افعال شکل سوم فعل (p.p.) ندارند.

موارد کاربرد فعل ناقص "can":

الف- توانایی انجام کار یا عملی در زمان حال یا آینده:

I **can speak** French.

"من میتوانم فرانسوی را صحبت کنم."

She **can swim** well.

"او به خوبی میتواند شنا کند."

ب- درخواست و اجازه انجام کار یا عملی :

Can you help me lift this box?

"میتوانی بهم کمک کنی که این جعبه را بردارم."

You **can stop** work early today.

"تو میتوانی امروز کارت را زودتر متوقف کنی."

A: "Can I **use** your car?"

"میتوانم از ماشینت استفاده کنم؟"

نکته ۱: "can" و "be able to" به معنی "قادر بودن" برای توانایی انجام کار بکار می روند. در برخی موارد به جای یکدیگر بکار میروند. بعد از ساختار be able to هم شکل ساده فعل میآید:

She **can speak** English well.

"او میتواند انگلیسی را به خوبی صحبت کند."

She **is able to speak** English well.

"او قادر است که انگلیسی را به خوبی صحبت کند."

نکته ۲: شکل گذشته این فعل ناقص، **could** میباشد که توانایی انجام کار در گذشته را نشان میدهد.

When I was a child, I **could** climb the trees easily.

"وقتی که بچه بودم به راحتی از درختان بالا میرفتم."

موارد کاربرد فعل ناقص "May":

الف- برای بیان احتمال کار یا عملی در زمان حال یا آینده:

It **may rain** tomorrow.

"فردا احتمال داره باران بباره."

It **may be** late, so don't wait for me.

"احتمالاً دیر بشه، پس منتظر من نشو."

ب- اجازه انجام کار یا عملی (بیشتر در سبک رسمی):

May I use your cellphone?

"ممکنه از موبالیت استفاده کنم؟"

May I leave the classroom?

"ممکنه کلاس را ترک کنم؟"

نکته ۱: شکل گذشته این فعل ناقص، **might** میباشد که احتمال انجام کار در گذشته را نشان میدهد.

موارد کاربرد فعل ناقص "Should":

الف- برای بیان نصیحت، پیشنهاد، توصیه و بهتر بودن انجام کار یا عملی:

You look tired. You **should go** to bed.

"به نظر خسته میرسی. بهتره بری بخوابی."

The government **should help** poor people.

"حکومت باید به افراد فقیر کمک کند."

ب- برای بیان انجام وظیفه و مسئولیت:

You **should visit** your parents more than this.

"تو بهتره بیشتر از این از والدینت دیدن کنی."

He **shouldn't waste** your money.

"تو نباید پولت را هدر بدی."

نکته ۱ (زبان تخصصی): عبارت (**had better = d better**) موقعی استفاده می شود که فرد، چیزی را که مطلوب و دلخواه باشد را انجام ندهد، نتایج و تاثیرات منفی خواهد داشت.

It's five o'clock. I **had better go** now before the traffic gets too heavy.

"ساعت ۵ است. بهتره الان بروم تا قبل از اینکه ترافیک خیلی شدید بشود."

نکته ۲ (زبان تخصصی): کلمه (**ought to**) برای چیزی که مطلوب و ایده آل باشد، به ویژه در سبک رسمی انگلیسی بریتانیا بکار می رود.

We **ought to eat** lots of fruit and vegetables every day.

"تو باید هر روزه میوه و سبزیجات زیادی بخوری."

موارد کاربرد فعل ناقص "Must":

الف- برای بیان الزام و ضرورت شدید شخصی:

I **must buy** some new clothes. My clothes are so old.

"من باید لباسهای تازه بخرم. لباسهای من خیلی کهنه هستند."

ب- برای بیان استنباط و نتیجه گیری (احتمال زیاد):

Mary **must have** a problem. She keeps crying.

"مری میبایستی مشکلی داشته باشه. همش داره گریه میکنه."

ج- در اطلاعیه های عمومی و علائم هشداردهنده که نشانگر قوانین، امر و نهی و ... می باشد.

You **must wash** your hands before returning to work.

"تو میبایستی دستهایت را قبل از برگشتن به سر کار بشوئی."

نکته ۱: برای الزام بیرونی (یعنی الزام از طرف بیرون) به جای (must) از (has to , have to) به معنی "مجبور بودن" استفاده می شود. بعد از آنها هم همواره شکل ساده فعل می آید. (در این حالت have و has به معنی "داشتن" یا "خوردن" نیستند).
از has to برای فاعلهای سوم شخص مفرد و برای سایر فاعلها از have to استفاده میشود.

I **have to wear** formal clothes. I have a new job as a teacher.

"من مجبورم لباس رسمی بپوشم. من شغل جدیدی رو به عنوان یک معلم دارم."

You **have to pass** your exam or (وگرنه) the university will not accept you.

"تو مجبوری در امتحانت قبول بشی و گرنه دانشگاه تو را اخراج خواهد کرد."

نکته ۲: فعل ناقص must شکل گذشته ندارد و برای الزام و ضرورت به انجام کاری در گذشته از (had to) به معنی "مجبور بودن" استفاده می شود که اجبار در گذشته را نشان میدهد و شکل گذشته have to و has to میباشد.

The car broke down. We **had to get** a taxi. "ماشین خراب شد. ما مجبور شدیم تاکسی بگیریم."

When she got home, she **had to cook** dinner before everyone arrived.

"وقتی که او به خانه رسید، قبل از اینکه همه وارد شوند، مجبور بود شام بپزد."

نکته مهم ۳: چنانچه بعد از افعال ناقص، شکلی از افعال to be بیاید آن فعل to be, فقط خود be خواهد بود.

It **may be** rain today.

"امروز احتمال داره باران بباره."

فعل ناقص

Note:

حروف اضافه زمان (Preposition of Time):

کاربردهای حرف اضافه in	
قسمتهای مختلف	in the morning / in the afternoon / in the evening
ماه	in April / in January / in February
فصل	in (the) spring / in summer / in autumn / in winter
سال، دهه و قرن	in 1998 / in 1980s / in 18 th century
مناسبت ها	in Norooz

❖ برخی از کاربردهای دیگر (**in**) برای زمان در کتاب های درسی و در حد کنکور:

in a week	"در یک هفته"	in the past	"در گذشته"
in a few minutes	"در چند دقیقه"	in the future	در آینده

کاربردهای حرف اضافه on	
روز	on Sunday / on Saturday
تاریخ	on April 18 th / on the first of June
قسمتی از روز با ذکر نام	on Tuesday evening / on Monday morning
تعطیلی، آخر هفته	on holiday / on vacation

کاربردهای حرف اضافه at	
ساعت	at 2 o'clock / at 7:45
طلوع و غروب آفتاب	at sunrise [طلوع آفتاب] / at sunset [غروب آفتاب]
ظهر و نصف روز	at noon / at midday [نیم روز]
شب و نصف شب	at night / at midnight [نیمه شب]
هنگام صرف غذا	at lunch / at dinner time
کریسمس	at Christmas

❖ برخی از کاربردهای دیگر (**at**) برای زمان در کتاب های درسی و در حد کنکور:

at present [در حال حاضر]	at the moment [همین الان]
at once [فورا]	at first [ابتدا]
at the same time [بطور همزمان]	at last [سرانجام]
at the beginning [در شروع]	at least [حداقل]

حروف اضافه مکان (Preposition of Place) :

کاربردهای حرف اضافه in	
روستا	<u>in</u> Dashband
شهر	<u>in</u> Rasht / <u>in</u> Tehran / <u>in</u> London
استان	<u>in</u> Mazandaran
کشور	<u>in</u> Iran / <u>in</u> the USA / <u>in</u> France
قاره	<u>in</u> Asia / <u>in</u> Africa
درون، داخل	<u>in</u> the garden / <u>in</u> my hand

❖ برخی از کاربردهای دیگر (in) برای مکان در کتابهای درسی و در حد کنکور:

<u>in</u> a village	<u>in</u> a town	<u>in</u> a city
<u>in</u> the world	<u>in</u> mountains	<u>in</u> a hurry (در عجله بودن)
<u>in</u> a forest	<u>in</u> the yard	<u>in</u> the street
<u>in</u> the river	<u>in</u> the lake [در دریاچه]	<u>in</u> the sea
<u>in</u> ocean [در اقیانوس]	<u>in</u> bed	<u>in</u> hospital
<u>in</u> prison [در زندان]	<u>in</u> a book	<u>in</u> the picture
<u>in</u> the middle [در وسط]	<u>in</u> a line [در یک صف]	<u>in</u> a country

کاربردهای حرف اضافه on	
بر روی (با داشتن تماس)	<u>on</u> the table / <u>on</u> the desk
جهت، سمت	<u>on</u> the left [سمت چپ] / <u>on</u> the right [سمت راست]
صفحه	<u>on</u> page 5
رادیو، تلویزیون	<u>on</u> TV / <u>on</u> the radio
طبقه ساختمانی	<u>on</u> the second floor
قبل از تلفن	<u>on</u> the phone

❖ برخی از کاربردهای دیگر (on) برای مکان در کتابهای درسی و در حد کنکور:

<u>on</u> a chair	<u>on</u> the wall [بر روی دیوار]
<u>on</u> the ground [بر روی زمین]	<u>on</u> the way [در راه]
<u>on</u> the floor [کف اتاق]	<u>on</u> the bus
<u>on</u> the train	<u>on</u> the table
<u>on</u> the farm [بر روی مزرعه]	<u>on</u> the map [بر روی نقشه]

موارد کاربرد (next to) {جنب، کنار} برای مکان:

کاربرد این حرف اضافه از معنی آن مشخص است و مشکلات حرف های اضافه بالا را ندارد.

next to police station / **next to** the post office / **next to** the hospital

next to the window / **next to** the drugstore

نکته: به جای حرف اضافه next to میتوان از معادل‌های آن یعنی **near**, **by**, **beside** هم استفاده کرد.

موارد کاربرد (in front of) {جلوی} برای مکان:

کاربرد این حرف اضافه هم، مانند **next to** از معنی آن مشخص است و مشکلات حرف های اضافه بالا را ندارد.

in front of the hospital / **in front of** the post office / **in front of** police station

in front of the drugstore / **in front of** the window

نکته اضافی: حروف اضافه (at)، (under زیر)، (over روی)، (behind پشت)، (at / in the back of) و (between بین)، (among ما بین)، برای مکان استفاده می شوند.

→ **at** home / **at** work / **at** school / **at** the station / **at** the airport / **at** the seaside

→ **under** the desk / **under** table / **under** the bed / **under** the water

→ **over** the table / **over** the door / **over** the body (بدون تماس)

→ **behind** a chair / **behind** the door / **behind** the car

→ **between** Rasht and Tehran / **between** the two countries (بین دو اسم)

→ **among** the students / **among** the animals (ما بین چندین اسم)

At Azadi Street.

نکته: حرف اضافه مربوط به آدرس at میباشد:

by car - **by** bus

نکته: حرف اضافه مربوط به وسائل نقلیه **by** میباشد.

Note:

قید های حالت : Adverbs of manners

حالت، چگونگی و نحوه انجام فعل (اصلی) را نشان می دهد. قید های حالت با اضافه کردن (-ly) به آخر صفت درست می شوند.

محل قید حالت در جمله:

(۱) بعد از فعل و مفعول

(۲) قبل از فعل اصلی جمله

He drives his car carefully.

فعل مفعول قید حالت

او ماشینش را با دقت میراند.

The tourists spoke English perfectly.

فعل مفعول قید حالت

گردشگرها به طور عالی انگلیسی صحبت کردند.

An airplane is quickly flying in the sky.

فعل قید حالت

هواپیما به سرعت در آسمان در حال پرواز کردن است.

معنی	قید حالت	معنی	صفت	معنی	قید حالت	معنی	صفت
سرانجام	finally	آخر	final	به کندی	slowly	کند	slow
واقعاً	really	واقعی	real	به بدی	badly	بد	bad
با پررویی	rudely	پر رو	rude	به آسانی	easily	آسان	easy
مؤدبانه	politely	مؤدب	polite	با خوشحالی	happily	خوشحال	happy
احتمالاً	possibly	ممکن	possible	به راحتی	comfortably	آسوده	comfortable
با صدای رسا	audibly	شنیدنی	audible	احتمالاً	probably	احتمالی	probable

قید های حالت بی قاعده: برخی از صفت ها و قید ها به یک شکل هستند. یعنی در حالت قیدی، -ly نمی گیرند.

معنی	قید حالت	معنی	صفت
به سرعت	fast	سریع	fast
به سختی	hard	سخت	hard
به خوبی	well	خوب	good
با تأخیر	late	دیر	late
به درستی	right	صحیح	right
به طور اشتباه	wrong	غلط	wrong
به زودی	early	زود	early
در بالا	high	بلند	high
بطور مستقیم	straight	مستقیم	straight
به طور مجانی	free	مجانی	free
با صدای بلند	loud / loudly	بلند	loud

Reza is a hard worker. He works hard.

صفت قید حالت

رضا کارگر سخت کوشی است. او به سختی کار میکند.

Ali is a fast driver. He drives fast.

صفت قید حالت

علی راننده سریعی است. او به سرعت رانندگی میکند.

نکته های اضافی در مورد قید ها :

در اکثر کلمات، اگر (-ly) به آخر اسم اضافه شود آن کلمه صفت است. برای فهم بیشتر به نکات زیر توجه شود.

(۱) کلماتی که -ly دارند و به اسم افزوده می شوند و صفت محسوب می شوند عبارتند از:

معنی	صفت	معنی	صفت
مردانه	manly	صمیمی	friendly
فرفری	curly	دوست داشتنی	lovely
زمینی	earthly	گران بها	costly
خواهرانه	sisterly	ترسو	cowardly
سرد	chilly	بهشتی	heavenly
برادرانه	brotherly	زنانه	womanly

(۲) صفت هایی که مثل قید ها، در خود کلمه -ly دارند، اما صفت محسوب می شوند عبارتند از:

ugly [زشت] holy [مقدس] silly [احمق-احمقانه]

نکات اضافی در مورد املائی قید ها : موقع افزودن -ly به آخر صفت، در برخی از کلمات، یک سری تغییرات املائی صورت می گیرد.

▪ تبدیل y به i happy → happily lazy → lazily

▪ حذف e از آخر کلمه: comfortable → comfortably

▪ تبدیل ic به ically economic → economically scientific → scientifically

▪ اکثر کلماتی که به حرف (e) ختم می شوند، موقع افزودن (-ly)، حرف (e) حذف نمی شود.

polite → politely complete → completely

whole → wholly true → truly : استثناء

▪ اکثر کلماتی که به پسوند (-ful) ختم می شوند، موقع افزودن (-ly)، به شکل (-fully) نوشته می شود.

careful → carefully hopeful → hopefully beautiful → beautifully

full → fully : استثناء

▪ اکثر کلماتی که به حرف (l) ختم می شوند، موقع افزودن (-ly)، به شکل (-lly) نوشته می شود.

cruel → cruelly final → finally formal → formally

Note:

1. When I was a child I ----- climb the trees easily but now I can't.
a) might b) should c) can d) could
2. A: Why isn't Ali in class? B: I don't know. He ----- be sick today.
a) Can b) should c) may d) must
3. Don't touch my school things. When I'm not at home, you ----- use my books.
a) should b) could c) might d) can
4. I don't allow you to leave the class. You ----- go out after doing your homework.
a) should b) must c) may d) will
5. A: I'm going to be late for the bus, what ----- I do? B: You can take a taxi.
a) can b) may c) should d) must
6. All foreign passengers ----- present their passports at the airport.
a) should b) must c) can d) cloud
7. A: Why isn't Raman at home? B: I'm not sure. He ----- be in the library.
a) can b) must c) may d) should
8. A: ----- I borrow your pen? B: Yes, of course.
a) Should b) would c) Must d) Can
-
9. She's a good writer. She writes interesting novels -----.
a) good b) well c) quiet d) worse
10. My brother is a fast driver. He always drives -----.
a) fast b) good c) slowly d) polite
11. The teacher didn't ask an easy question. I answered it -----.
a) quick b) good c) easy d) hard
12. Ali spoke with the tourists well. Actually, he answered all their questions -----.
a) good b) polite c) politely d) carelessly
-
13. I always go to the park ----- the sunset to walk and do exercise.
a) in b) at c) to d) on
14. When I was ----- work yesterday, I had an important phone call.
a) in b) at c) on d) to
15. The children were ----- home this morning.
a) to b) in c) at d) on
16. We are going to visit Esfahan ----- Tir 20, 1399.
a) on b) in c) to d) at
17. They will visit their cousins ----- the holiday ----- spring.
a) on - in b) in - in c) on - at d) at - in
18. Are you going to invite your friends ----- your birthday ----- Khordad?
a) in - in b) in - on c) on - in d) at - in
19. I always go to the gym ----- bus ----- the afternoon.
a) by - in b) at - in c) at - at d) by - on
20. Next year, we will be ----- Korea ----- holiday.
a) in - in b) in - on c) in - at d) at - in

پاسخنامه تستهای آموزشی و دستگرمی گرامر درس چهارم (پایه دهم):

شیوه کلی حل تستهای گرامر: عموماً برای حل تستهای گرامر ابتدا به گزینه های سؤال نگاه کرده و سعی میکنیم گرامر مربوطه را حدس بزنیم، آنگاه در قبل و بعد از جای خالی به دنبال نکته مربوطه در آن گرامر، برای به دست آوردن پاسخ صحیح، میگردیم.

- ۱- (d) توانایی انجام کار در گذشته را با فعل ناقص could نشان می دهیم.
ترجمه: "وقتی که بچه بودم میتوانستم به آسانی از درختان بالا بروم اما الان نمیتوانم."
- ۲- (c) وجود جمله I don't know بیانگر "احتمال" است. برای نشان دادن احتمال از may استفاده میکنیم.
ترجمه: "- چرا علی در کلاس نیست؟ - نمیدونم. شاید امروز مریض باشد."
- ۳- (d) برای اجازه گرفتن از can و may استفاده میکنیم.
ترجمه: "به وسائل مدرسه ام دست زن. وقتی در خانه نیستم تو اجازه داری از کتابهایم استفاده کنی."
- ۴- (c) برای اجازه گرفتن از can و may استفاده میکنیم.
ترجمه: "من به تو اجازه نمیدهم که کلاس را ترک کنی. وقتی که تکالیف را انجام دادی، اجازه داری بیرون بری."
- ۵- (c) برای پیشنهاد و توصیه از should استفاده میکنیم.
ترجمه: "- داره برای اتوبوس دیرم میشه. چکار باید بکنم؟ - تو میتوانی تاکسی بگیری."
- ۶- (b) برای اجبار شدید و قانون و مقررات از must استفاده میکنیم.
ترجمه: "همه مسافران خارجی باید پاسپورتهایشان را در فرودگاه ارائه دهند."
- ۷- (c) وجود جمله I'm not sure بیانگر "احتمال" است. برای نشان دادن احتمال از may استفاده میکنیم.
ترجمه: "- چرا رمان در خانه نیست؟ - مطمئن نیستم. شاید در کتابخانه باشد."
- ۸- (d) برای اجازه گرفتن از can و may استفاده میکنیم.
ترجمه: "- میتونم (اجازه دارم) از خودکارت استفاده کنم؟ - بله، البته."
- ۹- (b) برای نشان دادن حالت و چگونگی انجام فعل جمله از قید حالت استفاده میکنیم که محل آن معمولاً بعد از فعل و مفعول جمله میباشد.
She writes interesting novels well.
 فعل مفعول قید حالت
ترجمه: "او نویسنده خوبی است. او رمان های جالبی را به خوبی مینویسد."
- ۱۰- (a) در جای خالی به قید حالت نیاز داریم. تنها قید حالت در بین گزینه ها fast میباشد. (صفت fast هنگام تبدیل شدن به قید حالت ly نمیگیرد).
He always drives fast.
 قید حالت فعل
ترجمه: "برادرم راننده سریعی است. او همیشه به سرعت رانندگی میکند."
- ۱۱- (d) در جای خالی به قید حالت نیاز داریم. تنها قید حالت در بین گزینه ها hard میباشد. (صفت hard هنگام تبدیل شدن به قید حالت ly نمیگیرد).
I answered it hard.
 قید حالت مفعول فعل
ترجمه: "معلم سوال آسانی را نپرسید. من آن را به سختی جواب دادم."

Note:

Handwriting practice lines consisting of 25 horizontal dashed purple lines.